بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب العالمین

اللهم صل علی محمد و آل محمد

**دسته بندی انواع اسم**

**و سیر آموزش آن در مقاطع 4گانه دوره اول رشد[[1]](#footnote-1)**

**فهرست مندرجات**

[دسته بندی اسامی بر اساس قالب 3](#_Toc33460692)

[اسماء ضمائر 3](#_Toc33460693)

[اسماء اشاره 3](#_Toc33460694)

[اسماء موصولی 3](#_Toc33460695)

[اسم علَم 3](#_Toc33460696)

[اسم مصدر 4](#_Toc33460697)

[قالب اسم های مصدری 5](#_Toc33460698)

[بخش اول: اسماء از منظر ریشه (اصل الواحدهای اسمی) 5](#_Toc33460699)

[بخش دوم: اسماء وصف و صفت 6](#_Toc33460700)

[بخش سوم: اسماء نسبت(مفاهیم مقایسه ای، متضاد و طیفی) 6](#_Toc33460701)

[بخش چهارم: اسماء کثرت 7](#_Toc33460702)

[بخش پنجم: اسماء محتوایی 8](#_Toc33460703)

[1. شناخت خود و سیر آموزش آن: 8](#_Toc33460704)

[2. ارتباط با دیگران و سیر آموزش آن: 9](#_Toc33460705)

[3. ارتباط با هستی و سیر آموزش آن: 17](#_Toc33460706)

[4. اسم های انجام دادنی و فعلی و سیر آموزش آن: 19](#_Toc33460707)

[5. خدا و غیب و سیر آموزش آن: 19](#_Toc33460708)

[اسمائی که نباید آموزش داد 22](#_Toc33460709)

# دسته بندی اسامی بر اساس قالب

در باب اسم، می توانیم طبقه بندی های مختلفی از اسم داشته باشیم. یکی از این طبقه بندی ها که لازم است در آموزش اسم مورد نظر باشد، تقسیم بندی قالب اسم است.

اسماء اشاره، ضمائر، موصولات همگی اسم هستند.

اسماء ضمائر: اسمائی که حالت ضمیر دارند؛ من، تو، او-ما، شما ایشان. که اینها آموزش داده می شوند به طور طبیعی در زبان مادری و به طور قاعده مند در آموزش های زبان های مختلفت جزء ابتدایی ترین مفاهیمی ست که به کودک ارائه می شود.

اسماء اشاره: ممکن است زودتر از ضمائر به کار گرفته شوند. ساده ترین اسم هایی هستند که در آموزش قرار می گیرند. مثلا این، آن، اشاره به دور و نزدیک، اینها، آنها و اسم های از این دست. بچه ها می پرسند اینها چی هستند؟ این چیه؟ و ...این دسته از اسامی چون حالت خاصی ندارند بصورت عمومی قابل استفاده هسنند.

اسماء موصولی: کسانی که، آنهایی که و ... شبیه اسماء اشاره و ضمائر هستند.

لازم است در طرح درس ها قالب های ابتدایی را در سالهای اول و دوم آموزش داد.

اسم علَم: اسم هایی که بر اشیاء گذاشته می شود و آنها را هویت دار می کند و برای دوری از بکاربردن اسماء اشاره و .. از اسم شیء استفاده می شود. اسم افراد نیز در این دسته قرار می گیرد.

دایره لغات اسم علَم گسترده ست، به اندازه انواع تجربه ها و مواجهاتی برای بچه ها فراهم می شود اسم ها قابل آموزش هستند، لازم است درست و صحیح ادا شود و استعمال درستش برای افراد بیان شوند.

پس لازم است برای آموزش اسمهای علَم، برای تجربه کردن های کودکان برنامه داشت و انواع مواجهات را برایشان فراهم کرد.

مهم است که از مقطع دوم به بعد، در آموزش اسماء علَم، هر شیئی را با کارکرد و غایت آن شناسانده شود و در ارتباط با دسته خانواده مخصوص به خود معرفی گردد.

مثلا: این چرخ برای حمل و نقل راحت تر مورد استفاده قرار می گیرد.[[2]](#footnote-2)

این کار زمینه تقویت قوه تفکر، خیرگزینی بهتر، تصمیم گیریهای خداپسندانه و زندگی برمدار عاقبت اندیشی را در کودک ایجاد کرده و آینده ی درخشان برای او فراهم می کند.[[3]](#footnote-3)

فهرستی از اسم های علَم به شرح زیر می باشد:

* آشنا شدن با اهل بیت ع و انبیا ع
1. آموزش عمومی در دوره: یادکردن از انبیا و اولیا و اهل بیت ع در موقعیت های خوش زندگی؛
* مثلا:پختن غذاهای خوشمزه، ارتباطات خوش، هدیه دادن ها، (چون پیامبر ص هدیه دادن را دوست داشتند،من به شما هدیه می دهم (این هدیه دادن باید از طرف والدین و دیگران به کودک باشد نه کودک به دیگران)
* آشنا شدن با اسامی پیامبران از وجه ویژگی های محسوس و عینی خوشایند برای آموزش (نوشتن داستان پیامبران)

**نکته:** مسائل خوشایند پیامبران و اهل بیت در حد فهم کودک بیان می شود و موضوع ترک اولی و کارهای خاص مثل رویای ذبح حضرت اسمعیل و حضرت ابراهیم ع، قتل فرعونیان توسط حضرت موسی ع، اذیت شدن های زیاد حضرت ایوب ع، شرایط اضطراری حضرت یونس ع، دلیل به زندان افتادن حضرت یوسف ع و .... و در کل، جزئیاتی که ارتباطی به کودک و ساختار فکری او ندارد.

* قهرمان سازی از انبیا برای آشنایی با ویژگی های خوب
* داستانهای اهل بیت (بازنویسی داستان راستان)

اسم مصدر: اسم های انجام دادنی را گویند که قبل از اینکه فعل هر چیز درست شود، حالت مصدری آن استفاده می شود. مثلا گیاه رشد می کند مصدرش (اسمش) می شود روییدن. رشد و نمو و بزرگ شدن مصدر هستند از آن فعل درست می شود.[[4]](#footnote-4)

تکلم که شروع می شود آنچه قدرت صحبت کردن را زیاد می کند، مصدرها هستند که بر اساس آن انواع جمله ساخته می شود و خبر و اطلاع رسانی در کودک انجام می شود و مفاهیم فهمیده می شود.



# قالب اسم های مصدری

اسم علم روی همه اشیا می گذاریم. در مورد اسم علَم لازم است اغلب اشیاء پیرامون را اسم دارد کنیم، علاوه بر آن معرفی کردن انواع اسم علَم دایره واژگان کودک را برای استفاده بیشتر می کند.

اما آنچه بیشتر سرمایه گذاری می کنیم، اسم هایی هستند که حالت مصدری دارند و بعد ها فرزند بر اساس آن جمله سازی می کنند و فعل می سازند.

# بخش اول: اسماء از منظر ریشه (اصل الواحدهای اسمی)

حتما تاکنون اصل الواحدهایی که کتب لغت بحث می کنند را دیده اید، همان که «ریشه های کلمه» هستند و امکان بهره مندی متنوع و استفاده های گوناگون از آنها وجود دارد.

اصل الواحد یعنی ریشه کلمه، مثلا خوردن در عربی می شود «اکل»، اصل خوردن می شود الف کا لام، که از آن فعل و مشتقات صادر می شود. فعلا به این وجه تخصصی کار نداریم، اما اسم هایی که با آن کار داریم که علَم نیستند و ضمیر و اشاره هم نیستند، صرف مصدر بودن اهمیت دارند.

خوردن/وقت غذا خوردن: که خودش یک اسم می شود.

خوابیدن: می شود اسم.

راه رفتن: جزء حالت های مصدری ست که اسم است.

حالت ها همراه با اسم دیگری ست، خوردن بعلاوه ی وقت غذا می شود غذا خوردن، که ما غالبا در قالب جمله آنها را می شناسیم اما در واقع اسم است. می توان با آن نمادسازی اسم را انجام داد.

این کار سبب می شود فرزند در انجام امور ضروری موفق و نظم در انجام کارها زیاد کند.

# بخش دوم: اسماء وصف و صفت

بخش دوم مصدرها زمانی است که تبدیل به صفت می شوند. صفت های مختلف از همین اسامی به دست می آید، مثلا زرنگ بودن، شجاع بودن، فعال بودن، قشنگ بودن، لباس قشنگه و ...

صفت می شود آن مصدرهایی که جنبه ثابت پیدا می کند یا حالت تثبیت در شی ء یا فرد پیدا می کند. مثلا صفت شجاعت برای کسی ست که شجاعت به خرج می دهد و زورش را در جهت مثبتی به خرج می دهد، این حالت فعلی دارد اما چون تثبیت شده و انتظار می رود همواره اینگونه باشد صفت گفته میش ود.

 در عین حال مربوط به یک شیء خاصی هم نیست. (شبیه علم نیست، خیلی چیزها می شود قشنگ باشد: ماه، گل و ...) در واقع وصف و توصیفی تبدیل به اسم می شود.

اغلب طیبات در این قسمت قرار دارند. نوعا در وصف ها خبیث و طیب ورود پیدا می کنند.

نوعا اسم های علَم که افراد بر اشیا یا افراد می گذارند، خبیث انتخاب نمی کنند، اما نوعا وقتی برای وصف چیزی از اسمی استفاده می کنند از خبیث استفاده می کنند. مثلا لجباز، شیطون، حرف نشنو، و ... بیشتر به سمت وصف می رود و حالت خبیث پیدا می کند.

پس اگر ما می خواهیم روی طیب سخن گفتن پیش رویم، توصیفات بر اشیاء و ... را طیب کنیم و از خبیث بیان کردن آن یعنی آنچه بار منفی دارد و القاء منفی در کودک ایجاد می کند مثل: زشتی و بدی، کثیفی و نامرتبی و ... که از این موارد باید دوری و اجتناب کرد.

# بخش سوم: اسماء نسبت(مفاهیم مقایسه ای، متضاد و طیفی)

اسم هایی که مربوط به نسبت ها هستند: زیاد، کم، ... در واقع اسماء نسبت حساب می شوند. بلند و کوتاه، بالا و پایین، بزرگ و کوچک و ...

اینها را می توان از 3 سالگی به بعد آموزش داد. (از 2 سال هم می شود اما چون ساختار مشخص و معین مربوط به خود دارند مهم است. به هر چیزی کوتاه نمی گوییم یا بزرگ نمی گوییم.)

خوب است که کودک در انتهای دوره مفهوم نسبت را بشناسد و بتواند در مورد آن صحبت شود. به همین دلیل آموزش آن از سه سالگی در قالب معرفی این مفاهیم، مقایسه ی اشیا پیرامون و ... آغاز می شود.

# بخش چهارم: اسماء کثرت

زمانی وصفی را بخواهیم مطرح کنیم، و در مورد شدّت و حدّت، کثرت و قلّت آن صحبت کنیم. بسیاری از اسم ها در این بخش هستند. خیلی گرسنه بودن، یا خیلی خوابم می آید و ....

خوب است سعی شود در گفتگوهای خانواده از حالت صفر و صدی خارج شویم تا تاثیراتش بر کودکان هم دیده شود. مثلا پدر و مادر در گفتگوهایشان تلاش کنند از عباراتی مانند: همه، هیچ، اصلا، قطعا، به هیچ وجه و ... کمتر و در جای خود استفاده کنند.

* خوب است که اغلب اسم های کثرت در قالب مفاهیم خوب بکارگرفته شود. من همیشه تو را دوست دارم. تو همیشه خوب هستی. من حالم همیشه خوب است امروز فقط کمی حالم خوش نیست که اگر فلان کار را انجام دهم بهتر می شوم.
* سنجیده تر است که اسم های کثرت مثل قطعا، اصلا، حتما، همیشه، هرگز و ... در مورد احکام خدا استفاده شود پس شناخت احکام خدا و تلاش برای اجرای دقیق آن از مهمترین وظایف خانواده می باشد.

برای به کارگیری اسامی کثرت برای کودک، 2 هدف آموزشی مدنظر است:

1. بتواند با انواع اسامی کثرت آشنا شود.
2. بتواند در گفتگوهایش به خوبی از آن استفاده نماید. (تا از رویکرد صفر و صدی دوری کرده و نسبت به اتفاقات و مواجهات نگاه طیفی داشته باشد.)

**مثال از 2: مثال از 1 را هم جایش را خالی بذار ☺**مثلا برخی بچه ها می گویند: هیچ کس با من دوست نمی شود، همیشه با من بازی نمی کنند، همه از این کفش ها دارند، همه موبایل دارند؛ بهتر است از جملات دیگری استفاده کرد، در برخورد با این جمله که همه از این کفش ها دارند بگوییم: آیا همه از این کفش ها دارند؟ یا بعضی ها دارند؟ نصف آنها دارند؟ کمترشان؟ بیشترشان؟ مثلا 3 نفرشان؟

**تمایز کثرت و نسبت چگونه است؟آیا قسمی از نسبت است؟ اگر بله چرا در انواع اسمهای مصدری مجزا آمده است؟**

# بخش پنجم: اسماء محتوایی

این بخش از دیگر بخش های اسم های مصدری ست. محتوای اسم ممکن است حالات مختلفی داشته باشد که بر اساس آنها بایستی دایره واژگان فرزند را در طول 7 سال تعیین و نسبت به تقویت آن آموزشهای لازم را ارائه داد. به صورتیکه بتواند راجع به آن اسم ها صحبت و گفتگو کند و تفکر نماید.



# 1. شناخت خود و سیر آموزش آن:

اسم هایی که در رابطه با خود است. توان ها، نیازها، امکانات خودش محتوای این بخش است.

اسامی مرتبط با خود

* اعضای بدن را بطور عمومی بشناسد.
* برای داشتن اعضای بدن شکر گزار و خوشحال باشد.

سیر آموزش:

- در مقطع اول: بتواند نام آنها را بداند.

- در مقطع دوم: بتواند کاربردها را بگوید.

- در مقطع سوم: بتواند دامنه فعالیت اعضا را گسترش دهد.

- در مقطع چهارم: مراقبت کردن از اعضای بدن.

* به صورت کلی مراقب سلامتی اعضای بدنش باشد.
* حس خوبی نسبت به هویت خود داشته باشد.
* اسم خودش را بداند.
* معنای آن را بداند و حس خوبی نسبت به اسم خود داشته باشد.
* خود را در حد توان و شاکله خودش و نیازها و کارهایی که لازم است انجام دهد، توانمند بداند.
* نسبت به توانایی های خود شناخت نسبی داشته باشد.
* حس ضعف و ناتوانی بخصوص در مقایسه با دیگران نداشته باشد.
* خودش را با صفات خوب بشناسد: شجاع است، راستگوست، مرتب و زرنگ است، زیباست.
* بتواند امکانات و دارایی هاش را شناخته و از آن استفاده کند.
* خواسته هایش را (در حد توانش) بشناسد و بخوبی بیان کند.
* احساسات خود را بشناسد. (عصبانیت-خشم، غمگین، شادی، خواب آلودگی، تشنگی، گرسنه گی، ....)
* و ....

# 2. ارتباط با دیگران و سیر آموزش آن:

اسم هایی که مربوط به ارتباط با دیگران است، رابطه با دیگران را مشخص می کند و نسبت ها را معین می کند. پدر است، مادر است، همسایه است. داد و ستد و عطا کردن و عطا شدن را نیز شامل می شود.

 ارتباط با دیگران

* شناخت روابط
* هر چقدر روابط خانوادگی بیشتری را بداند، می تواند بهتر فکر کند.
* خانواده و روابط خانوادگی را می شناسد.
* در مقطع اول: پدر مادر،خواهر برادر، خاله- عمه،دایی-عمو، مادربزرگ-پدربزرگ را بصورت لفظی و در مشاهده های موقعیتی می شناسد. لزوما روابط و دلیل نسبت ها را نمی داند.
* در مقطع دوم: علاوه بر فهم روابط مقطع قبل که بصورت لفظی و در مشاهده های موقعیتی حاصل می شود، نسبت روابط را نیز می فهمد و دلیل نسبت ها را می فهمد.
* مفهوم دوست را به عنوان کسی که با او مشارکت خوبی در بازی ها دارد برایش توضیح می دهیم؛ مثلا کسی که وسایلش را به او می دهیم، دوستش داریم، با او بازی می کنیم، نوبت مان را به او می دهیم، نازش می کنیم و ....
* در مقطع سوم: شناخت اقوام و داشتن رفت و آمدهای خانوادگی.
* در مقطع چهارم: چنانچه روابط پیچیده خانوادگی به آنها معرفی شود، از انتزاع بیشتری برخوردار شده، بهتر فکر می کنند، از روابط اجتماعی بهتری بهره مند می شوند. آشنا کردن کودک با شجره خانوادگی در این مقطع صورت می گیرد.
* بهمین دلیل پیش نیاز این آموزش، داشتن ارتباط با ارحام و صله رحم و تحکیم ارتباط با خویشاوندان است.
* بنابراین باتوجه به اثرویژه این ارتباط، بهتر است به صورت جدی در برنامه کودکان قرار گیرد.
* آشنا شدن با فعالیت افراد در نسبت با کارهای هدف دار و پر منفعت(شغل).
* شغل ها با تاکید بر نفع رسانی به دیگران آموزش داده می شود. شغل های پر نفع، و روابط خانوادگی را می شناسد.
* دادو ستد و اعطا
* خوب است در انتهای دوره اول، کودک دستی دهنده داشته باشد، دلش نخواهد همه چیز برای او باشد و دلش بخواهد اموالش را با کسی تقسیم نکند. همچنین اگر پول یا دارایی داشته باشد بتواند علاوه بر رفع نیاز خود به دیگران (ازاهل خانه یا دوست یا همسایه) نیز توجه داشته باشد.
* باید بپذیریم که اقتضای کودک احساس آقایی، کرامت و مالکیت تام است، خود را محور عالَم و مالک همه چیز می داند. والدین با رفتارهای خود در این دوره، بذرهایی را می کارند که نتیجه آن در دوره های بعدی شکوفا خواهد شد لذا از آموزش نابجایی که عطا و دادن را در کودکان تضعیف می کند باید اجتناب نمود.
* مالکیت موضوعی عمومی و عرفی ست، که در بهره مند شدن و استفاده از دارایی ها فهم می شود. لازم است مراعات شود و سیر تقویت اعطا و گذشتن از مایملک تدریجی مشخص شود.
* هیچ رفتاری انجام ندهیم که او را در اعطا کردن لجباز یا از آن منزجر می کند.
* همچنین لازم نیست اعطاها و انفاق های اهل بیت را برای کودکان توضیح دهیم این کار سبب می شود حس نزدیکی با آن بزرگان در کودکان کم شود.
* بخشیدن اسباب بازی های بچه ها، بدون اینکه تمایل اعطا یا فرهنگ آن در خانواده معروف شده باشد برای شاکله آنها ضرر دارد.
* نباید ذهنیت و خاطر کودک، درآوردن پول، داشتن پس انداز و ... شود، این کار سبب می شود
* سیر آموزش اسم داد و ستد و اعطا:
* مقطع اول و دوم: مشاهده انفاق و اعطا در والدین
* خواسته های کودک را اجابت کنید:

در دوسال اول زندگی، هر چقدر فاصله اجابت و اعلام نیاز کودک کم باشد اعطا در او بیشتر می شود. وقتی کودک شیر طلب می کند، مادر به سرعت آن را اجابت کند، اگر نیاز به نظافت و طهارت دارد تا حد امکان بی معطلی این کار انجام شود.

* مثلا در موقع تهیه سوغاتی، همه را در نظر بگیرند.
* در ارتباط با والدین باید صدقه دادن، اعطا کردن، گذشت کردن، قرض دادن ببینند.
* کودک میل های والدین به یک شبِ دارا شدن، چشم و هم چشمی و سیرنشدن از دارایی دنیا را نبیند (قمار و کنزگرایی) چنین والدینی اصطلاحات مشخص را تکرار می کنند و توجه شان به دنیا به کودک منتقل می شود مثلا مدام درباره قیمت اشیاء، دارایی خود و دیگران و ... صحبت می کنند.
* مقطع سوم: اعلام مستقیم به کودک در ارتباط با اینکه اگر دوست دارد می تواند وسایلش را با دیگران مشترک استفاده کند.
* مشارکت کودک در برنامه های مساجد و هیئت ها و پذیرایی در آنها.
* رفت و آمد با ساده زیستان سبب می شود توقعات فرزندان در داشتن های و جمع کردن های زیاد کنترل شود.
* مقطع چهارم: از او در مورد اعطای وسایل به دیگران درخواست می شود(نه اجبار: آیا فکر می کنی این جنس و .. را به دیگری بدهیم؟ اگر نخواهی هم اشکال ندارد بدهد. و اگر کودک از این امر امتناع کرد با آغوش باز والدین روبرو خواهد شد.)
* همچنین در استفاده از عیدی ها و پول های نقد نیز در این مقطع تصمیم گیری می کنیم.
* آداب روابط:

در ارتباط با دیگران آدابی مثل حیا داشتن، سلام کردن، تشکر کردن، داشتن خطاب های محترمانه، اذن گرفتن، و ... وجود دارد که می توان آنها را به صورت قاعده مند به کودک آموزش داد.

در همین راستا به بررسی مصدرهای اسمی در ارتباط با دیگران می پردازیم:

* آموزش حیا

در آموزش حیا داشتن خوب است قواعدی بصورت سلبی حاکم شود، یعنی کارهایی را نباید کرد تا بچه با حیا باشد و از بسیاری از خطرات و به کار بردن کلمات غیر طیب مصون بماند:

* از ابتدای نوزادی لازم است روابط خاص پدر و مادر در حضور نوزاد نباشد. در حدی که نوزاد، صدای نفسهای آنها را هم نباید بشنود.
* رعایت حیا در استحمام و دستشویی؛ بهتر است والدین با لباس تقریبا پوشیده بچه ها را استحمام کنند و بچه نیز کاملا عریان نباشد، و سعی شود در اواخر دوره، کودک به صورت مستقل حمام کند.[[5]](#footnote-5)
* عدم تعویض لباس در مقابل کودک.
* عدم صحبت و شوخی در مورد مسائل خصوصی، مثلا هر کلمه یا رفتار خاص نباید مقابل کودک به کار برده شود.
* نیاز به آموزش اسامی اعضای خاص بدن نیست زیرا خاطر آنها را فعال و درگیر می شود و بهتر است این آموزش به صورت کلی در قالب بیان قواعد حیا و عفاف آموزش داده شود.
* به دلیل وجود دو اصل همراهی والد با کودک و سالم سازی بستر و محیط زندگی نیازی به آموزش مستقیم این موضوعات برای کودک نیست.
* به کودک آموزش داده می شود در سه موقع صبح و ظهر و عصر، برای ورود به اتاق والدین اجازه بگیرد به این منظور می توان بازی را طراحی کرد و با بچه آن را تمرین کرد. اجازه می دهید وارد شوم؟
* سلام کردن

بسیاری از بچه ها اغلب در 7 سال اول سلام نمی کنند اما به مرور سلام کردن در آنها آشکار می شود بنابراین از به سلام واداشتن کودک جدا خودداری شود و همچنین عجله ای در اظهار سلام نباید داشت. برای این منظور سیر آموزش آن به شرح زیر است:

* برای آموزش سلام در مقطع ابتدایی دوره، کودک اگر سلام کردن والدین به خود، دیگران، هنگام ورود به خانه و... را توسط والدین ببیند با سلام کردن آشنا می شود.
* القای شادابی با سلام کردن و جذاب کردن آن از راه های دیگر آموزش سلام است.
* تحسین و تشکر کردن

پیش فرض ما این است که کودک باید بارها تشکر کردن را در موقعیت های مختلف ببیند لازمه این مطلب تمرکز بر دیدن خوبی ها و تقدیر و تشکر از آنها در محیط خانواده است، بنابراین والدین بجای اینکه متمرکز بر دیدن عیوب، کاستی هاو خطاها باشند می توانند به زیبایی ها و کارهای خوب دیگران توجه کنند.

یکی از مهمترین امور این است که والدین تشکر کردن از خالق را تمرین کنند و سعی شان در بهتر شدن نمازهایشان باشد. چطور ممکن است کسی نماز نخواند یا برای خواندن آن انگیزه نداشته باشد و دچار تاخیر باشد و بتواند از کسی قدرشناسی کند؟![[6]](#footnote-6)

همچنین اگر هر یک از والدین نسبت به نعمت های الهی، داشته ها و توانهایشان شاکر باشند، بخوبی از آنها استفاده کنند و روحیه ی نشاط و بهره مندی از آن را داشته باشند و ادبیات ناامیدی و نارضایتی را کنار بگذارند می توانند فرزندی شاکر تربیت کنند.

همچنین والدینی که می توانند بارها در امور مختلف از یکدیگر تشکر کنند طبیعتاً به فرزندشان نیز منتقل می شود.

استفاده از عباراتی مثل: ممنون که هستی، بابت زحماتی که می کشی از شما ممنونم، چقدر چیزی که خریدی خوب بود ممنون، چه تخم مرغ خوشمزه ای درست کردی، خدا خیرت بدهد، چقدر کمک هایت مفید بود، انواع دعا ها به عنوان قدردانی، همه کارهات رو دوست دارم بعضی هایش را بیشتر، چقدر تو ماهی، چقدر نظم خوبی در چیدن کتاب ها داری و ...

به این ترتیب نه تنها توان استفاده از انواع عبارات تشکری را دارند، بلکه بنا به هر کار یا شرایطی می توانند قدردانی و تحسین کنند.

همچنین والدین می توانند در ازای تشکرکردن کودک، او را تشویق و تایید کنند. این کار سبب افزایش میل و رغبت کودک به تشکر کردن می شود.

مقطع اول

تشکر کردن از هر کار کوچکی که کودک انجام می دهد.

برای مثال گل سری را(یا هرچیزی) به دست ما می دهد از او تشکر کنیم.

یا چیزهایی را به کودک داد و از او گرفت و تشکر کرد.

یا مثلا کودک در انداختن سفره کمک می کند، سعی می کند بشقاب را سر سفره بیاورد از او تشکر می کنیم.(حتی اگر ایرادی در کارش باشد.)

مقطع دوم

والدین و اطرافیان دامنه ای از کلمات تشکری را بکار برده مثلا ممنون، متشکر، سپاس، آفرین، احسنت، مرحبا، باریک الله و .... و از حالات چهره و استفاده از زبان بدن نیز غافل نشوند.

مقطع سوم

به قصد اینکه کلمات تشکری بیشتر گفته و شنیده شود کودک در شرایطی قرار داده می شود که مثلا هدیه، صدقه، کرایه تاکسی، جفت کردن کفش در هیئت ها، غذا دادن به خواهر و برادر کوچکتر و ... از طرف او به دیگران داده شود.

مقطع چهارم

شرایطی برای کودک فراهم شود که کودک در معرض تحسین شدن قرار گیرد. و کارهایی انجام دهد که دیگران از او تشکر کنند. مثلا خواندن سوره، اذان و تکبیر گفتن در مساجد و هیئت ها، خواندن شعر، خیررسانی های در حد توان، قرار دادن در مسیر یادگیری مهارت ها و توانمندی های خوب کودک.

* **خطاب کردن و احترام گذاشتن**

اگر افراد بزرگسال بتوانند در اولین مواجهه با دیگران از بهترین خطاب ها استفاده کنند، بهترین تاثیر را در طرف مقابل می گذارند، چه در نوع سلام کردن باشد یا صدا زدن یا ابتدای مکالمه و ...

 حال اگر والدین اینگونه باشند اثر آن در فرزندانشان نمایان شده و از بکار بردن خطاب هایی مانند این و آن برای افراد دوری می کنند.بنابراین یکی از کاربردهای اسم خطاب کردن دیگران است که اگر هنرمندانه و همراه با احترام باشد، اثرات زیبای آن در بهتر شدن روابط مشاهده می شود.

اگر کودک بتواند دیگران را مودبانه خطاب کند، بهتر می تواند با دیگران ارتباط سازنده برقرار نماید و این امر، مقدمه اثرگذاری های خوبِ کودک در جمع کودکان دیگر و در آینده است.

بامطالعه حدیث کسا، و ایده گرفتن خطاب های حضرت زهرا س به فرزندانشان(نور چشم، میوه دل و ....)، همچنین مطالعاه نامه های عارفانه عاشقانه ی امام خمینی و دیگر علما خطاب به همسر و فرزندان می توان از عبارات آنها بهره مند شود و خطاب های شیرینی را استفاده کرد.

در نهایت باید گفت در این مقطع زمینه سازی صورت می گیرد و انتظار احترام گذاشتن و رعایت های کامل را از کودک نمی شود داشت.

مقطع اول

والدین کودک را در مواقع مختلف با القاب خوب و زیبا مورد خطاب قرار دهند، اعم از انجام کار خوب یا اشتباه.

مثلا استفاده از خطاب هایی مثل ، شما ، خانم ، آقا و یا حتی صفت های متنوع و کرامت بخشی که برای خطاب گاها مورد استفاده است را می توان برای کودک به کار برد و اثرات زیبای آن را مشاهده نمود .

در هنگام عصبانیت و ناراحتی از کارهای کودکان از خطاب های زشت و داد زدن استفاده نشود .

چه خوب است اگر از قبل برای این گونه موارد فکر کرده باشیم و خطاب های مناسب طراحی کنیم.

 مثلا مادری با خود قرار گذاشته بود در هنگام عصبانیت از کار فرزندش به او بگوید: "قند عسل شکر"!

یا پدری که با دیدن بازیگوشی ها و تحرکات فراوان فرزندش به او می گوید:"ای صلوات بر تو!"

و ا زبکاربردن اسامی حیوانات برای کودک دوری کنند.

**مقطع دوم و سوم**

از آنجایی که کودک به اندازه ای که تجربه می کند و با پیرامونش مواجهه دارد، قابلیت یادگیری خطاب کردن را نیز پیدا می کند او در این مقطع می تواند دیگران را خطاب کند، پس لازم است با فعالیت هایی به سمت خطاب کردن زیبای دیگران سوق داده شود.

به کاربردن خطاب ها در قالب تک کلمه در این مقطع صورت می گیرد.

**مقطع سوم و چهارم**

کودک می تواند خطاب کردن هایش را بدون اثرپذیری از احساساتش انجام دهد، بنابراین طراحی بازی هایی که این دو مورد تفصیلی بیان شود بسیار مهم است. همچنین کودک می تواند برای جلب توجه دیگران و منفعتی که برایش دارد از خطاب های مختلف استفاده کند.

کودک می تواند خطاب هایش را با صفت های دیگر همراه کند، نام بردن از دیگران و خانواده ها با صفات نیکو همراه شود مثلا مادر مهربان، خاله جان، زندایی فاطمه، بابای عزیز، مامان گلی، بابا جون، بابای قهرمان و ....

همچنین اصلاح جزئی برخی خطاب های اشتباه او به نرمی در این مقطع صورت می گیرد.

* **درخواست کردن و خواهش کردن**

برخی از اسم ها می تواند بار درخواستی داشته باشد. به عنوان نمونه کلماتی مانند «لطفا»، «خواهش» که در معنای ادب به خرج دادن برای خواستن چیزی است. به تدریج کودک در مقاطع مختلف باید برای خواسته های خود از این کلمات استفاده کند. همانطور که کودک طبیعتاً دوست دارد چنین کلماتی را با لحنی زیبا بشنود و به طور مستقیم مورد امر و نهی قرار نگیرد تحقق این تمایل از خود فرد و از دوران کودکی آغاز می شود.

بدین ترتیب کودک در انتهای دوره لازم است تقاضای خود را محترمانه و در قالب درست استفاده کند و از آن مهم تر اینکه باید ضمن اینکه بداند چه چیز را از چه کسی و در چه قالب بخواهد لازم است به یاد داشته باشد اگر آن خواسته با هر تدبیری اجابت نشد چه باید بکند، و اینکه خودش در قبال درخواست های دیگران چه عکس العملی نشان دهد.

علاوه بر اسم هایی که برای درخواست به کار می رود کودک لازم است نیازهای خود را با اسم های مناسب و بدون تحقیر بیان کند. به عنوان مثال، به جای گفتن اسمِ چیزی که می خواهد با اشاره تحقیرآمیز آن را بخواهد.

طبیعی است کودک این گونه سخن گفتن هایی را از والدین خود یاد می گیرد. اعطا و درخواست دو روی یک سکه اند که پرداختن نیک و شایسته به یکی دیگری را تقویت و در فعال کردن کلام کودک اثرگذار هستند.

مقطع اول

در این مقطع که کودک درخواست های طبیعی دارد لازم است پدر و مادر با زیبا درخواست کردن و استفاده از عبارات و لحن های مناسب میل و رغبت کودک در اجابت درخواست ها را فعال کند.

مقطع دوم

در این مقطع کودک می تواند درخواست های خود را به صورت نیمه کاره بیان کند. در این صورت انتقال کلماتی مانند لطفا و خواهش می کنم می تواند درخواست های او را شایسته کند.

مقطع سوم

در این مقطع کودک می تواند سخن بگوید برای این منظور باید بتواند از بیان تحقیرآمیز در درخواست هایش که با اسم های اشاره همراه است خودداری کند. چنین توانی نباید از طریق درخواست و باید و نباید از کودک خواسته شود بلکه باید از طریق مشاهده آموزش ببیند.

مقطع چهارم

در این مقطع کودک می تواند برای درخواست هایش نشانه های زیبا قرار دهد. به عنوان مثال وقتی گرسنه است با بیان اسمی این درخواست را به شکل زیبا بیان کند مثلا بگوید: «مامان جان لطفا دستپخت خوشمزه!» در این مثال «دستپخت خوشمزه» که نوعی قدردانی از مادر نیز به حساب می آید اسمی برای درخواست غذاست.

در این حالت به کودک به صورت ضمنی یاد داده می شود که اسم هایی قدرشناسانه برای درخواست هایش انتخاب کند.

# 3. ارتباط با هستی و سیر آموزش آن:

اسم هایی که مربوط به محیط است و اشیاء و امکاناتی که در اختیارش است. شناخت وسائل و پیرامون فرد. محیط طبیعی و محیط مصنوعی، بازی کردن، غذا، انواع گیاهان، حیوانات و...

ارتباط انسان با هستی یکی از مهمترین ارتباطاتی ست که در رشد و بلوغ او اثر مستقیم دارد. هستی به عنوان محیط پیرامون انسان مد نظر است، این محیط می تواند طبیعی و مصنوعی (ساخته بشر) باشد.

برای انتقال آموزه های محیط پیرامون به انسان باید مراحل رشد او را در نظر گرفته شود. یک نوجوان در رویارویی با محیط پیرامون، نیاز به فهم قوانین زندگی موجود در طبیعت دارد که بتواند از آنها در زندگی و حتی تصمیم گیری های خود بهره مند شود بنابراین برای ایجاد چنین شرایطی بهتر است از کودکی آموزش های لازم داده شود.

برای انتقال آموزه ها به کودک بهتر است جنبه هایی از محیط پیرامون را به آنها معرفی کرد. این محیط می تواند شامل آسمان، زمین، گیاهان و حیوانات باشد که به آن محیط طبیعی گفته می شود. پدیده ها و رخدادهای طبیعی نیز در این دسته قرار دارند.

محیط مصنوعی و دست ساخته انسان مثل پارک، باغ وحش و ... نیز با برنامه مشخص و هدفمند در این آموزش مورد استفاده قرار می گیرد اما اصالت با محیط طبیعی ست چرا که ارتباط کودک با آنها بسیار پرمنفعت تر است.

بنابراین آموزش موضوعاتی با ترتیب زیر توصیه می شود:

* آسمان و منظومه شمسی
* شب و روز
* گیاهان
* حیوانات
* پدیده های طبیعی و اجزای آن (کوه، دریا، جنگل، باد، ابر،آتش ...)
* رخداد های طبیعی (زلزله، آتش فشان، طوفان، سیل، بهمن،...)
* سیر آموزش هستی به کودک:
* مقطع اول

در این مقطع بهتر است پدیده ها و رخدادها در حد معرفی ساده(همانند اسم علَم) به کودک شناسانده شود. این اسم ها با توجه به مواجهات و تجربیات معمول کودک با محیط پیرامون خود، انتخاب می شود.

مثلا آشنایی با بارندگی و باران باریدن.

* مقطع دوم

در این مقطع علاوه بر معرفی پدیده های پیرامون، روابط و بیان دسته بندی های موجودات و پدیده ها برایشان بیان می شود.

مثلا باران از پدیده هایی ست که با ابر و آسمان ارتباط دارد.

* مقطع سوم

در این مقطع می توان اثرات و منافع پدیده ها و رویدادها بر یکدیگر را برای کودک آموزش داد.

مثلا باران اگر می بارد، رودخانه ها پر آب می شوند، دانه ها ریشه دار می شوند، گیاهان می رویند و ...

* مقطع چهارم

در این مقطع کودک می تواند فرایند شکل گیری پدیده ها و رویدادها و همچنین روابط بین آنها را تا حد خوبی متوجه شود، بنابراین بیان کارکردها و اثرات جزئی تر آنها مورد توجه قرار می گیرد.

مثلا باران از ابر و برخورد آنها به هم ایجاد می شود.

**تبصره ها:**

* اگر کودک در مقطعی پایین تر اقتضای فهم مطالبی در مقاطع بالا را داشت از این آموزش ممانعت نمی شود.
* این آموزش ها در قالب های مختلف می تواند ارائه شود: کتاب داستان، شعر، نقاشی کردن، کارت های آموزشی و ...
* ربط دادن میان پدیده ها، اشیا و رویدادها به شکل قصه گویی، خواندن شعر و طرح معما می تواند برای تقویت تکلم و تفکر کودکان در مقاطع سوم و چهارم موثر باشد.
* پدیده های دور دست تر از زندگی کودک را می توان تا حدی در مقطع چهارم و خصوصا در هفت سال دوم رشد مطرح کرد، مثل کهکشان، بیابان، حیوانات غیر اهلی... .
* معرفی این اسامی در صورتی اهمیت بیشتری میابد که کودک بتواند فواید این موضوعات را بشناسد و سیری تاریخی یا جغرافیایی برای هر پدیده را در نظر بیاورد و فقط به مرور اسامی و تماشای تصاویر آنها بسنده نشود.

# 4. اسم های انجام دادنی و فعلی و سیر آموزش آن:

اسم هایی که مرتبط با توان انجام دادن کار است. انواع فعلیت داشتن ها: خوردن، خوابیدن، تفریح کردن، مسافرت کردن ، مراقبت کردن و انواع محافظت کردن (نمالیدن دست خاکی به چشم) ، شناخت تقویم، نشانی و محدوده هاو ... که در یک برنامه روزانه می توان از آنها نام برد. نزدیک به فعل هستند اما در این قسمت از وجه اسم مورد توجه قرار می گیرد چرا که برنامه های کودک د راین بخش منظم می شود. حال مرتبط با خود، روابط با دیگران است. مجموعه ارتباطاتی که کودک از طریق محیط و خودش ابراز می کند و شکوفا می نماید.

# 5. خدا و غیب و سیر آموزش آن:

همانطور که مشخص است در دوره اول، کودک قدرت پرداختن به مفاهیم عینی و محسوس را دارد و بهتر است کمتر به توضیح و شرح، بیان چیستی و چگونگی عمل مفاهیم انتراعی مثل خدا، ملائکه، شیطان، قیامت، بهشت، جهنم و ... پرداخته شود اما این به معنای عدم ارتباط او با عالم ملکوت نیست، بلکه او بطور فطری خدا را می شناسد و نیازمند به استمرار این اتصال ملکوتی است.

بنابراین اصلی ترین وظیفه والدین دراین دوره از یک سو عدم ایجاد مانع و از سوی دیگرتقویت برای مراقبت از این اتصالات است.

کودکان و خصوصاً نوزادان به قدری به عالم ملکوت متصلند که والدین می توانند از قدرت آنها در ارتباط با عالم غیب بهره مند شوند.

جهت تقویت این اتصال، آموزش های هدفمند، محدود و حساب شده ی «القایی، عملی، ذکری، دعایی و ...» حائز اهمیت هستند، خوب است که والدین بین تجربیات و مواجهات کودک و عالم غیب با قالب های کلامی ارتباط برقرار کنند.

 بهمین خاطر می توان با استفاده از راهکارهایی این ارتباط را تقویت و مستمر کرد. اسم هایی که ارتباط کودک را با خدا، ذکر، غیب، ملکوت، معنویت و ... برقرار می سازد مثل انواع دعا کردن، ارتباط با ملائکه و ... برای این کار توصیه می شود. سفارش های دقیق پیامبر صل الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام در این زمینه بسیار راهگشا خواهد بود.

آوردن روایت سال به سال ذکر گفتن پیامبر در رابطه با کودک از کتاب طیب سخن

مقطع اول؛ آموزش های القایی:

* خواندن قرآن توسط والدین و پخش کردن آن در خانه.
* کودک شاهد توجه ویژه والدین به نماز، نماز جماعت، نماز جمعه و ... است.
* کودک شاهد توجه والدین به انس با اذکار است.
* کودک غذاهایی که والدین با نیت های ملکوتی می پزد را تناول می کند.
* ارتباط با اماکن زیارتی در والدین در کودک اثرگذار است.
* داشتن لقمه حلال و طیب، دیدنی و شنیدنی های طیب برای کودک
* حضور در محضر علما و جلسات قرآن و بازی آنها در کنار علم آموزی والدین
* سلام دادن روزانه به اهل بیت ع، انبیا، اسم ملائکه و ...
* مشاهده دعا کردن های والدین برای همسایگان و دیگران.
* اسم گذاری های زیبا برای کودکان
* و ....

مقطع دوم:

اظهار عباراتی توسط والدین به نحوی که کودک آن را متوجه شود و با تمایل با آن همراه شود:

 مثل بسم الله الرحمن الرحیم گفتن قبل از غذا

 الهی شکر گفتن بعد از غذا

یا علی گفتن وقت بلند شدن

یا حسین گفتن پس از نوشیدن آب و ....

**توجه:** اصرار به کودکان و اجبار آنها در ادای عبارات اثرات خوبی ندارد پس بهتر است در صورت عدم همکاری والدین بخصوص مادر بجای او این ذکر ها را بلند بر زبان آورد. مثلا بگوید: به به می خواهم غذا بخورم و بسم الله می گویم.

مقطع سوم:

آموزش شعرها و بازی هایی که در آن مفاهیم قرآن و دینی آورده شده است، سوره خواندن و ... در این مقطع اثرگذار است.

آموزش ذکر های مشخص در این دوره مهم است.

مقطع چهارم:

ایجاد شرایطی برای نماز خواندن کودک و برنامه ریزی برای نماز خواندن کودک.

برنامه داشتن برای مشارکت او در فعالیت های مسجد، هیئت، جلسات علمی و...

**تبصره:**

1. همه ی این آموزش ها، در شرایط خوش حالی و نشاط به کودک منتقل می شود تا خاطره خوشی از اذکار در ذهن کودک بماند و انشالله در سیر رشد خود از آنها بهره برده و به کمال عبودیت و اخلاص و اتصال به اسماء الله برسد.
2. علاوه بر آموزش اسم های معنوی و .. لازم است موانع اتصال نیز مورد توجه قرار گیرد برخی از این موانع را می توان اینگونه نام برد:

دوری از مجالسی که حدود شرعی در آن رعایت نمی شود

 نشنیدن موسیقی های حرام و گناه آلود

 تشویق نکردن کودک به رقصیدن

 قرار نگرفتن در معرض ماهواره و دیدن فیلم ها و بازی های خشن، ترسناک، و دارای صحنه های خبیث

 بازی با وسایل الکترونیکی بدون برنامه

مراقبت از خوردن چیزهای نجس(مثلا پستونکی که روی ملافه نجس)

مراقبت از پاک بودن دست های کودک پس از رفتن به دستشویی (استفاده از کلماتی مثل دستت را آب بکش و ..)

عدم نگهداری حیواناتی که ارتباط با ملکوت را کم می کند مثل سگ

و ...

این 5 دسته اسمایی هستند که لازم است مشخص شده و در بازه زمانی دوره اول رشد به کودک بصورت تدریجی آموزش داده شود، مثلا در بخش ارتباط با ملکوت، گفتن ذکر بسم الله الرحمن الرحیم، لااله اله الله، الحمدلله و ... ارتباط فرد است با خداوند که از سنین ابتدایی رشد مورد توجه قرار می گیرد.



# اسمائی که نباید آموزش داد

1. اسماء ترس، آنچه که بچه از آن بترسد. مثل تاریکی، حیواناتی که وحشتناک هستند، بدجنسند.
2. اسماء کینه و بغض، آن هم آن نوعی که مردم نسبت به هم دارند، و آن را در قالب عصبانیت به کار می برند.
3. اسماء فجور و انواع گناهان؛ ضرورتی ندارد برخی گناهان را بشناسند و اسماء آن را بیاد داشته باشند. یا آن دسته از اسمایی که مربوط به بی حیا شدن و پرده دری فرزندان می شود و حیای آنها را تحت تاثیر قرار دهد.
4. اسماء بخل؛ اینکه احساس کند همه چیز برای خودش است مواردی ست که نباید آموزش داده شود. کودک باید با واسع الحالی، دست گشاده با دیگران ارتباط برقرار کند.
5. اسماء القا کننده ی ضعف، بدی، ناتوانی، بدجنسی، حقارت، کوچکی و ...
1. پیاده شده صوت های مسیر اصفهان تهران استاد اخوت، شامگاه جمعه 2 اسفند 98 [↑](#footnote-ref-1)
2. این موضوع در مبحث آموزش قید به تفصیل شرح داده خواهد شد. [↑](#footnote-ref-2)
3. جهت آشنایی با مفهوم تدبر و انواع عاقبت، به کتاب تدبر چیستی، چرایی و چگونگی مراجعه فرمایید. [↑](#footnote-ref-3)
4. تفاوت علَم و مصدر این است که از اسم علَم فعل درست نمی کنیم اما از مصدر فعل می سازیم. [↑](#footnote-ref-4)
5. جهت اطلاع از جزئیات این مساله به کتاب سند بایسته های تربیت جنسی بر اساس احکام الهی مراجعه شود. [↑](#footnote-ref-5)
6. من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق [↑](#footnote-ref-6)